

سلام افلا



دانشگاه شهید چمران اهواز
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد
بررسی نامه‌های شاهنامه با تکیه بر جنبه‌های
روانشناسی، بلاغی و زیبایی شناسی

استادان راهنما
جناب آقای دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی
جناب آقای دکتر منوچهر جوکار

استاد مشاور
جناب آقای دکتر منوچهر تشکری

پژوهش و نگارش
عاطفه نیک مهر
اهواز

بهمن ۱۳۸۸

چکیده‌ی پایان نامه

نام خانوادگی دانشجو: نیک مهر	نام: عاطفه
عنوان پایان نامه: بررسی نامه‌های شاهنامه با تکیه بر جنبه‌های روان‌شناسی، بلاغی و زیبایی‌شناسی	
استاد راهنما: دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی - دکتر منوچهر جوکار	
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: زبان و ادبیات فارسی گرایش: _____	
محل تحصیل (دانشگاه): دانشگاه شهید چمران اهواز	
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
تاریخ فارغ‌التحصیلی: _____ تعداد صفحه: _____	
کلید واژه‌ها: فردوسی، نامه‌های شاهنامه، بلاغت، روان‌شناسی، حماسه	
<p>چکیده:</p> <p>در هیچ یک از منظومه‌های داستانی و حماسی فارسی نقش و تعداد نامه‌ها قابل مقایسه با شاهنامه‌ی فردوسی نیست و تنها تعداد نامه‌ها که شمارشان به بیش از ۲۵۰ می‌رسد گواه این ادعاست. اما کاربرد این نامه‌ها که در دو بخش پهلوانی و تاریخی یافت می‌شوند فقط انتقال اندیشه و خواست فرستنده‌ی آن‌ها نیست؛ بلکه هر یک فرصتی هستند برای فردوسی تا نوآوری و تنوع به کار آورد؛ گاه بخش‌هایی از داستان را از زبان نویسنده‌ی نامه نقل کند؛ گاه با بیان احساسات فرد از زبان خود او شوری در سخن افکند. مجالی برای پرداخت شخصیت قهرمانان حماسه بیابد و بی آن که حضورش سایه‌ای بر رویدادها گسترده تحلیل‌ها و حتی پیام‌های خویش را به مخاطب برساند. و در یک کلام نامه‌ها آینه‌ی تمام‌نمای شاهنامه اند؛ به همین سبب مطالعه‌ی آن‌ها از جنبه‌های موضوعی، محتوایی، روان‌شناسانه، بلاغی و زیبایی‌شناسی، به عنوان شاهنامه‌ای در ابعاد کوچک، اما همگون با کل اثر ضروری تشخیص داده شد و در این پایان‌نامه بررسی گردید.</p>	

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	پنج
فصل اول: کلیات	۱-۴۸
(۱) نگاه کلی به نامه های شاهنامه.....	۲
(۲) شناخت و بررسی ارکان و لوازم نویسندگی با تکیه بر نامه های شاهنامه.....	۴
- پیک.....	۴
- دبیر.....	۲۷
- کاغذ.....	۳۷
- کلک.....	۴۱
- مرکب.....	۴۳
- مهر و نگین.....	۴۶
فصل دوم: بخش بندی موضوعی نامه های شاهنامه	۴۹-۶۷
(۱) نامه های دستوری و درخواستی.....	۵۲
- آغاز به جنگ.....	۵۲
- روشن کردن چگونگی اموال و غنای جنگی.....	۵۲
- بازداشت.....	۵۲
- کشتن.....	۵۳
- آماده باش.....	۵۳

- ۵۳.....آموزش آیین ها و آداب رزم.....
- ۵۳.....واگذاری شغل یا مقام.....
- ۵۳.....برکناری از شغل یا مقام.....
- ۵۳.....آباد کردن زمین های کشاورزی یا بایر.....
- ۵۳.....مبارزه با قحطی.....
- ۵۴.....کاهش یا بخشش مالیات.....
- ۵۴.....گردآوری و جابه جایی اموال.....
- ۵۴.....یاری کردن با مال یا فرستادن لشکر.....
- ۵۵.....درخواست چیزی دوستی یا آشتی.....
- ۵۶.....درخواست بازدید از مکان.....
- ۵۶.....درخواست قطع ارتباط و همکاری.....
- ۵۶.....همفکری و مصلحت اندیشی.....
- ۵۷.....باخواستن و بازدادن.....
- ۵۷.....(۲) نامه هایی با موضوع روش های رسیدن به اهداف سیاسی.....
- ۵۷.....تهدید.....
- ۵۸.....تطمیع.....
- ۵۹.....فریب.....
- ۵۹.....اعلان جنگ.....
- ۵۹.....بیان پرسش و چیستان به قصد چیرگی بر دیگران.....
- ۶۰.....(۳) نامه های گزارش گونه.....
- ۶۰.....آگاه کردن.....
- ۶۱.....یادکرد پیروزی.....
- ۶۲.....بیان ویژگی ها و برجستگی ها.....

- ۶۲..... (۴) نامه هایی با موضوع پیوند و زناشویی
- ۶۲..... - خواستگاری
- ۶۳..... - پاسخ به خواستگاری
- ۶۳..... - پیشنهاد دادن دختر خویش برای زناشویی
- ۶۳..... (۵) نامه هایی با موضوع های دیگر
- ۶۳..... - پند و اندرز
- ۶۴..... - سرزنش
- ۶۵..... - ابراز خشنودی
- ۶۵..... - پوزش
- ۶۶..... - پذیرش و سرباز زدن از پذیرش
- ۶۶..... - ابراز دلتنگی و اشتیاق به دیدار
- ۶۶..... - شادباش
- ۶۶..... - درد دل
- ۶۶..... - پیش گویی
- ۶۷..... - پیمان نامه
- ۶۷..... - گواهی نامه
- ۶۷..... - وصیت نامه
- ۶۸-۸۰..... فصل سوم: بخش بندی نامه های شاهنامه بنابر فرستنده و گیرنده
- ۷۰..... الف) نامه های پادشاهان به یکدیگر
- ۷۴..... ب) نامه های پادشاهان به فرمانداران، فرماندهان، پهلوانان و درباریان
- ۷۷..... پ) نامه های فرمانداران، فرماندهان، پهلوانان و درباریان به پادشاهان
- ۷۹..... ت) نامه های فرمانداران، فرماندهان، پهلوانان و درباریان به یکدیگر
- ۷۹..... ث) نامه های خانوادگی و دوستانه

فصل چهارم: بخش بندی نامه های شاهنامه بنابر اندازه و ساختار ۸۱-۹۴

- نامه های کوتاه ۸۴

- نامه های میانه ۸۸

- نامه های گسترده ۹۳

فصل پنجم: ویژگی های برجسته محتوایی نامه های شاهنامه ۹۵-۱۵۴

(۱) نیایش خداوند ۹۶

(۲) سرنوشت ۱۱۹

الف) بخت ۱۲۴

ب) آسمان و اختران ۱۲۸

پ) زمان ۱۳۴

(۳) درود و نیک خواهی در حق گیرنده ی نامه ۱۳۸

(۴) دادورزی ۱۴۷

فصل ششم: بررسی جنبه های روان شناسانه ی نامه های شاهنامه ۱۵۵-۱۶۱

- نگاهی به کاربرد مکانیسم های سازگاری و دفاعی در نامه های شاهنامه ۱۵۶

فصل هفتم: بررسی جنبه های بلاغی و زیبایی های تصویری نامه های شاهنامه ۱۶۲-۲۰۰

(۱) بررسی نامه های شاهنامه بنابر جنبه های بلاغی ۱۶۳

(۲) بررسی نامه های شاهنامه بنابر جنبه های تصویری ۱۸۱

الف) عناصر تصویری در بראعت استدلال نامه ها و هماهنگی با موضوع آن ها ۱۸۱

ب) عناصر تصویری در محتوای نامه ها ۱۸۷

پیوست ۲۰۱

- نامه های شاهنامه ۲۰۲

گزیده منابع ۳۵۳

مقدمه

شاهنامه سند راستین هویت ایرانیان است و چون دژی استوار و پابرجا، به یادگارمانده از روزگاران کهن، نه تنها زبان فارسی که فرهنگ ایران زمین را پاس می‌دارد. این باره‌ی سر به فلک کشیده چنان عظیم، تو در تو و فراخ است که یک تن و یک عمر را مجال کاوش در سراسر آن نیست و هرکس به فراخور توان خود در کنار لذت بردن از زیبایی و بی‌مانندی آن تنها موفق به کشف زاویه‌ای خرد خواهد شد.

در همین راستا به عنوان موضوع این پژوهش «بررسی نامه‌های شاهنامه با تکیه بر جنبه‌های روان‌شناسی» بلاغی و زیبایی‌شناسی، انتخاب گردید تا بتوان جزئی کوچک از شاهنامه را مورد مطالعه‌ی زیربینانه و دقیق قرار داد.

نامه‌های موجود در شاهنامه پیش از این در کتاب ارزشمند «از رنگ گل تا رنج خار» فصل هشتم: گفتار در داستان‌های شاهنامه مورد بررسی اجمالی قرار گرفته بود، اما از آن جا که این کتاب «شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه، است و نامه‌ها به عنوان جزء یکی از فصول آن آورده شده، ژرفا، باریک بینی و تأمل مورد انتظار در بررسی آن‌ها انجام نشده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از نامه‌های پر ارزش و تأثیرگذار در روند داستان‌ها، حتی مورد اشاره قرار نگرفته و با سطحی‌نگری در استخراج، از قلم افتاده است. «سرامی» تعداد نامه‌ها را ۱۹۲ عدد عنوان کرده و تعدادی از پیام‌های شفاهی را نیز در شمار آن‌ها آورده است، اما در بررسی‌های انجام شده در این پایان نامه تعداد ۲۵۸ نامه یافت و بررسی شد. لازم به ذکر است که در کتاب یاد شده تنها موضوع نامه‌ها به صورت کلی و در یک دسته بندی سیزده عنوانی ارائه شده و آگاهی دیگری به خواننده داده نشده است؛ اما برای سهولت استفاده‌ی همزمان و موازی خواننده از این کتاب و تحقیق حاضر، نام‌هایی که سرامی برای هر یک از نامه‌ها برگزیده در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفت تا مانع از سردرگمی مراجع به هر یک از این دو منبع باشد؛ هرچند به گمان پژوهشگر در برخی موارد می‌شد عنوان‌هایی سنجیده تر برگزید. دیگر کوشش انجام شده در این زمینه یک پایان‌نامه‌ی کارشناسی به راهنمایی دکتر منوچهر جوکار در دانشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز است که در آن نامه‌ها بر مبنای کتاب «از رنگ گل تا رنج خار» مطالعه شده، این پایان‌نامه در عین کارآمدی و آراستگی، مناسب مقط

کارشناسی است و جنبه‌های مختلف موضوعی، آماری، روان‌شناسی، بلاغی و زیبایی‌شناسی در آن به تفکیک مورد مطالعه قرار نگرفته است. همچنین تعداد نامه‌های موجود در آن مطابق کتاب دکتر سرّامی است و به سایر نامه‌ها اشاره نشده است؛ به همین سبب نیاز به کاری گسترده‌تر و دقیق‌تر را مرتفع نمی‌سازد. جست و جوی‌های نگارنده برای یافتن دیگر منابع مستقل در این زمینه به نتیجه‌ای نرسید و گویا تاکنون هیچ تحقیق جامعی در این حیطه انجام نشده است.

اما انگیزه‌ی انتخاب این موضوع از سوی پژوهشگر در درجه‌ی اول، عشق و علاقه‌ی غیرقابل وصف به شاهنامه‌ی فردوسی بود که وی را از پرداختن به هر آن چه جز شاهنامه باز می‌داشت. به همین دلیل شاهنامه به عنوان گستره‌ی اصلی کار برگزیده شد و با مطالعه‌ی جنبه‌هایی از آن که کم‌تر نظر اندیشمندان را به خود جلب کرده است، بررسی نامه‌های حماسه‌ی حکیم طوس، محور پژوهش قرار گرفت زیرا باتوجه به ویژگی‌های نامه‌های شاهنامه، وقتی جداگانه مورد کاوش ریزبینانه قرار گیرند گویی خود شاهنامه در ابعاد کوچک و ابیات محدود (بیش از سه هزار بیت) مطالعه شده است. به همین منظور بنا بر طرحی که با راهنمایی همه جانبه‌ی استادان محترم راهنما و استاد ارجمند مشاور تهیه شد، مبنای کار این گونه تعیین گردید که در فصل نخست نگاهی کلی به نامه‌های شاهنامه انجام گیرد و نیز ارکان و لوازم نویسندگی، با تکیه بر آن چه پیش از آغاز و نیز در متن و پایان نامه‌ها مورد اشاره قرار گرفته مطالعه شود؛ چرا که اطلاعات ارزشمند و گاه یگانه‌ای را فرا روی می‌نهد. فصل دوم به بخش بندی موضوعی نامه‌های شاهنامه اختصاص یافت. بیش از این اشاره شد در کتاب «از رنگ گل تا تارنج خار» نامه‌ها به سیزده موضوع مختلف تقسیم گردیده، اما در این تحقیق نامه‌ها ذیل پنج عنوان کلی به ۴۸ گروه دسته بندی شد. فصل سوم کار بخش بندی نامه‌ها بنا بر فرستنده و گیرنده در ۵ گروه است. چهارمین فصل پایان نامه نیز به بخش بندی نامه‌ها اختصاص دارد. در این فصل نامه‌ها برحسب تعداد بیت در سه گروه جای گرفته اند.

لازم به ذکر است بررسی ساختار و محتوای نامه‌ها باتوجه به اندازه‌ی نامه از جمله دلایل ایجاب این نوع بخش بندی است. در فصل پنجم ویژگی‌های برجسته‌ی محتوایی نامه‌های شاهنامه جداسازی و تحلیل شده است؛ البته این خصوصیات می‌توانست بسیار متنوع‌تر و پرشمارتر باشد اما با توجه به گستردگی کار و حجم انبوه مطالب شش ویژگی برجسته‌تر برگزیده و کاویده شد. فصل به جنبه‌های روان‌شناسانه‌ی نامه‌ها اختصاص یافت زیرا بسیاری از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی افراد از میان گفتار و نوشتار آن‌ها نمودار است و فرد حتی بی آن که آگاه باشد خود حقیقی خویش را می‌نماید. در این فصل نخست ده تن از نویسندگان نامه‌ها باتوجه به شهرت، تأثیرگذاری و تعداد نامه‌های ارسال شده از سوی آنان برگزیده شدند و سپس تیپ و ابعاد مختلف شخصیت آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. پس از آن باتوجه به این که نوشتن هر نامه بنا هدفی از پیش تعیین شده است و نویسنده

در بسیاری موارد- بی آن که آگاه باشد با استفاده از مکانیسم‌های دفاعی- به سازگاری شرایط پیش رو پرداخته، انواع مکانیسم‌های دفاعی و شیوه‌های کاربرد آن‌ها در نامه‌ها با ذکر شاهد آورده شده. در نهایت آخرین فصل کار به جنبه‌های بلاغی و زیبایی‌های تصویری نامه‌های شاهنامه اختصاص یافت. در این فصل، اول جنبه‌های بلاغی نامه‌ها از دیدگاه علم معانی و سپس القای هدف و خواست و کاربرد شیوه‌های این علم تحلیل شد و پس از آن جنبه‌های تصویری نامه‌ها در دو بخش مطالعه گردید. نخست عناصر تصویری موجود در براعت استهلال نامه‌ها و پیوند آن‌ها با موضوع نامه و بعد از آن عناصر تصویری در محتوای نامه‌ها.

باتوجه به شاهنامه‌های متعددی که در بازار کتاب یافت می‌شود و اِتقان و پیراستگی شاهنامه‌ی چاپ مسکو به کوشش سعید حمیدیان، این تصحیح شاهنامه به عنوان منبع اصلی کار برگزیده شد. البته لازم به ذکر است تصحیح اندیشمندانه‌ی جلال خالقی مطلق نیز می‌توانست به عنوان منبعی دقیق و علمی مبنای کار باشد، اما به دو دلیل چاپ مسکو پایه‌ی کار قرار گرفت:

۱. چاپ مسکو در دسترس همگان قرار دارد و این کار را برای مراجعی که باتوجه به شماره‌ی جلد و صفحه و بیت در جست و جوی مطلبی خاص است بسیار ساده می‌کند.

۲. در بیشتر منابع و کتاب‌هایی که درباره‌ی شاهنامه منتشر شده، نویسنده ابیات را از روی شاهنامه‌ی مسکو نقل کرده؛ بنابراین برای حفظ یکدستی کار در هنگام نقل قول و نیز آسان تر شدن استفاده‌ی هم زمان مراجع از این پژوهش و دیگر منابع، استفاده از این تصحیح مناسب تشخیص داده شد.

متأسفانه باتوجه به حجم کار و زمان اندک، مجال استفاده از بسیاری مطالب یافت شده فراهم نگشت و در عین حال به همین سبب تلاش شد آن جا که پژوهشگر نگاه و تحلیل‌های تازه‌ای را مطرح کرده، به جای نقل قول‌های پیوسته، رویه‌ی اصلی کار بر این تحلیل‌ها قرار گیرد.

به همین دلیل در بخش‌هایی که نیاز به اطلاعات علمی متقن و یافته‌های ارزنده‌ی اندیشمندان به عنوان شالوده‌ی کار احساس می‌گردید، از نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم دریغ نگردید، اما سعی بر این قرار گرفت که کار به افراط نکشد و این پایان نامه به مجموعه‌ای از نقل قول‌ها بدل نشود تا این دانشجوی نوپا و بی تجربه فرصت بدست آورده را صرف بیان دیدگاه‌های خویش کند.

و در نهایت اگر نبود راهنمایی‌ها و دلسوزی‌های اندیشمندان و همیشگی استادان محترم راهنما جناب آقای دکتر محمدرضا صالحی مازندرانی و دکتر منوچهر جوکار و مشاور بزرگوار جناب آقای دکتر منوچهر تشکری، چگونه این دانشجوی اندک دانش حتی در خیال خود می‌توانست به ساحت شاهنامه نزدیک شود؟ چه رسد به کنکاش و بررسی و پژوهش. زحمات بی دریغشان را ارج نهاده

آرزو می‌کنم ای کاش شایسته‌ی شاگردیشان در لحظه لحظه‌ی عمر باشم و این مجال را غنیمت می‌شمارم برای قدردانی از ایشان و نیز استادان شکیبا و عالم، اعضای هیأت علمی رشته‌ی زبان و ابیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، که بارها در محضرشان از شدت اشتیاق اشک در چشم و بغض در گلو گوش جان به درس سپرده‌ام:

دانشمند فرزانه جناب آقای دکتر امامی.

مادر دلسوز و همراه همیشگی سرکار خانم دکتر گلی زاده

اندیشمند فرهیخته جناب آقای دکتر رضایی آباده

استاد بی ادعا و پرمایه، جناب آقای دکتر ابراهیمی

استاد فروتن جناب آقای دکتر خلوصی

بامدادان و شامگاهان با همه‌ی وجود و از ژرفای دل در حقّ یکایکشان از زبان فردوسی بزرگ می‌خوانم:

ابا فرّ و با برز و پیروز باد همه روزگارانش نوروز باد

(ج ۹، ص ۲۰۲، بیت ۲۳۴۹)

فصل اول:

کلیات

۱) نگاهی کلی به نامه‌های شاهنامه

به جرأت می‌توان گفت نقش نامه‌ها در هیچ یک از آثار منظوم پارسی با جایگاه و ارزش نامه‌ها در شاهنامه‌ی فردوسی قابل مقایسه نیست. وقتی دانسته شود «بیش از ثلث ابیات شاهنامه به بیان گفتارهای قهرمانان داستان‌ها اختصاص یافته است» (سرامی، ۱۳۸۳، ۲۵۷) و از میان افزون از سه هزار بیت را نامه‌ها که گفتارهای مکتوب هستند تشکیل داده اند، تنها بخشی از ارزشمندی نامه‌های شاهنامه عیان می‌شود اما هنگامی که با دیدی موشکافانه تر و به صورت جامع به نامه‌های شاهنامه پرداخته شود، شاهنامه‌ای در ابعاد کوچک اما با همان ویژگی‌ها و بزرگی‌های حماسه‌ی عظیم ادب پارسی عیان می‌شود؛ از همین رو مطالعه و بررسی این نامه‌ها امری ضروری است.

در یک نگاه کلی این نامه‌ها ۲۵۸ عدد هستند و به صورت پراکنده در دو بخش پهلوانی و تاریخی دیده می‌شوند. در بخش اساطیری نامه‌ای وجود ندارد و تنها «محضرنامه‌ی ضحاک مورد اشاره قرار گرفته است. دلیل این امر تعلق بخش اساطیری به روزگاری از زندگی انسان است که جامعه‌ی بشری هنوز تکامل و انسجام کامل نیافته است، در حالی که رواج نامه نگاری محصول دوران پختگی زندگی اجتماعی آدمیان است. به همین روال نامه‌های بخش پهلوانی از نامه‌های موجود در بخش تاریخی کم شمار تراند و در واقع در دوران تاریخی است که با کامل شدن سیستم‌های ارتباطی و نظم یافتن و انسجام نهایی روابط میان افراد نامه نگاری به عنوان مهم ترین ابزار ارتباط حضوری جایگاه می‌یابد و ۱۸۶ نامه از ۲۵۸ نامه‌ی موجود در شاهنامه در این قسمت یافت می‌شوند. با وجود این روند رو به تکامل و رشد در تعداد نامه‌ها، ساختار کلی نامه‌ها در دو بخش پهلوانی و اساطیری یکسان است و نامه‌ها از الگویی مشترک پیروی می‌کنند که عبارت است از نیایش خداوند در بیت‌های آغازین نامه‌ها، مفاخره‌ها، بزرگداشت مخاطب نامه، بیان مطلب اصلی و درود و دعای انتهایی. البته شکل کامل و دقیق این ساختار در همه‌ی نمونه‌ها رعایت نشده است و صرف نظر از نامه‌های کوتاه که یا تنها موضوع کلی را بیان می‌کنند و یا اشاره‌ای گذرا به ردّ و بدل شدن یک مکتوب اند، درنامه‌های میانه یا گسترده نیز بنا به مضمون و محتوا گاه نیایش ابتدایی دیده نمی‌شود، گاه مفاخره لزومی ندارد، گاه نویسنده مخاطب را صاحب ارج نمی‌داند که او را به بزرگی بستاید و گاه دعای انتهایی وجهی ندارد. از بهترین نمونه‌هایی که در آن‌ها این ساخت و ریخت رعایت شده می‌توان به نامه‌ی رستم به زا

(ج ۱، ص ۲۷۰، بیت ۱۳۵-۱۲۰) اشاره کرد. در کنار این مطلب باید توجه داشت برخی از نامه‌ها صورت مکتوب ندارند و در حقیقت پیام‌های شفاهی هستند که میان افراد تبادل شده. این پیام‌ها از یک سو نقش نامه را بازی می‌کنند و حتی گاه در جواب نامه‌های مکتوب اند چون پیام قیصر به خسروپرویز (ج ۹، ص ۷۶، بیت ۱۱۳۴-۱۱۲۹) و از دیگر سو نامه به حساب نمی‌آیند چون بر صفحه‌ی کاغذ ثبت نشده‌اند و شکل و ساختار نامه را ندارند. این پیام‌ها از قوانین نامه‌ها پیروی نمی‌کنند و در عین حال در آن‌ها محتوای کلی و هدف اصلی گوینده است که به گیرنده منتقل می‌شود نه مو به مو یا واژگان و عبارات او؛ به همین سبب هم در مبحث نامه‌ها مورد بررسی قرار نگرفتند.

باید توجه داشت نامه‌های شاهنامه برای فردوسی تنها وسیله‌ی ارتباط میان شخصیت‌ها نیستند، بلکه در بیشتر موارد کاربردهایی فراتر دارند. نخست این که فردوسی در برخی موارد بیان حوادث را بر عهده‌ی نویسنده‌ی نامه گذاشته و با حذف بخشی از داستان در متن اصلی و نقل روایت گونه‌ی آن از زبان یکی از شخصیت‌ها در قالب نامه روشی را در داستان گویی آزموده که قرن‌ها بعد در ادبیات دنیا رواج یافته است. دیگر این که «فردوسی به نامه‌های مندرج در متن داستان‌ها به عنوان ابزارهایی برای شورانگیزتر کردن روند آن‌ها [داستان‌ها] نگریسته است. بسیاری از کسان را می‌شناسیم که از شاهنامه جز نامه‌ی رستم فرخ‌زا در نخوانده‌اند، اما خواندن همین نامه موجب آمده است تا فردوسی را به عنوان حماسه پرداز کامروا باور کنند» (سرامی، ۱۳۸۳، ص ۲۰۹). در عین حال فردوسی با استفاده از آن چه در نامه‌ها را مطرح کرده بی آن که خود را به عنوان دانای کل وارد داستان کند، مسائل را از زبان شخصیت‌ها تحلیل کرده و درونمایه‌ی حوادث را به خواننده نشان داده؛ مانند نامه‌ی گژدهم به کاووس و نیز در شناساندن خود شخصیت‌ها به خواننده‌ی شاهنامه نیز از نامه‌ها مدد گرفته است؛ به عنوان مثال، شخصیت خودکامه و نابخرد کاووس از لابه لای نامه‌هایش به پادشاهان دیگر، پهلوانان و حتی فرزندش به خوبی نمودار است. هم‌چنین نامه‌ها مجالی هستند تا حکیم طوس، احساسات درونی افراد را برای خوانندگان نمایان کند و از میان حرف‌های نویسنده درونیات او را غیر مستقیم اما روشن و دقیق بشناساند؛ مثلاً در نامه‌ی کسری به مرزبان مدائن (ج ۸، ص ۱۰۴-۹۹، بیت ۷۸۷-۷۸۳) درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با شاهزاده‌ی سرکش، نوشزاد، چنان سوز و گداز و دلهره‌ی پدرانه‌ای دیده می‌شود که خواننده پس از کشته شدن نوشزاد هرگز کسری را گناهکار نمی‌داند.

و در نهایت دیگر بعد قابل بررسی در نامه‌ها اطلاعات فراوان درباره‌ی آداب نامه نگاری، ابزار و ادوات نویسندگی و شیوه‌ی رساندن نامه‌هاست که معمولاً در آغاز و انجام نامه‌ها مورد اشاره قرار گرفته و آگاهی‌های بدیعی به دست می‌دهد.

پیک

همان گونه که نامه‌ها نقش مهمی در سیر رویدادهای شاهنامه دارند، فرستادگانی که این نامه‌ها (و پیام‌ها) را به مقصد می‌رسانند نیز اهمیت ویژه‌ای در نیل به هدف مورد نظر نامه نگاری دارند. آن چه این اهمیت را آشکارتر می‌کند توصیف دقیق و توأم با جزئیات فردوسی از فرستادگان است؛ به گونه‌ای که آداب نامه‌رسانی، مرکب مورد استفاده و شیوه‌ی برخورد فرستنده و گیرنده‌ی نامه با پیک، هریک با جزئیات در هنگام نقل جریان نامه‌نگاری آورده شده است و چون به این ظرایف، صفات و ویژگی‌های لازم برای فرستاده - که بیش از چهل مورد را در بر می‌گیرد- اضافه شود. و نام پیک‌های مشهوری که به مناسبت‌های مختلف وظیفه‌ی نامه‌رسانی را بر عهده داشته‌اند مرور گردد، شکی نمی‌ماند که حکیم طوس در این امر تأکیدی هنرمندانه داشته که همان «برجسته‌سازی نقش و جایگاه رسانندگان نامه‌ها و پیام‌هاست».

در شاهنامه واژه‌ی «پیک» برای نامه رسان یا پیام‌آور به کار نرفته است و بیشتر نام «فرستاده» مطرح شده و گاه پیام‌آور، سوار، مرد و در بسیاری موارد هم به جای این واژگان، مرکب و چهار پای نامه‌رسان به صورت مجاز به جای خود او آورده شده که هم به کلام تنوع داده شود و هم مجالی باشد برای تأکید بر تند روی و سرعت رساندن نامه‌ها:

به نامه درون این سخن کرد یاد هیونی بر افکند برسان باد

(ج ۱، ص ۱۲۵، بیت ۷۷۲)

اما وظیفه‌ی پیک تنها رساندن نامه نیست، بلکه او خود مکمل نامه‌است و پیام‌گزاری زبانی، نوع رفتار و منش، پوشش، چهره و ظاهرش همه در تأثیرگذاری نامه بر مخاطب نقش دارد، به همین دلیل در شاهنامه گاه گاه نوع رفتار مناسب و شایسته‌ی پیام‌آوران بیان شده است که از آن میان آن چه ارجاسب به نام خواست هزاران و بیدرفش جادو می‌آموزد تا به هنگام دیدار با گشتاسب در پیش گیرند، شایان توجه است و قاعده‌ی کلی سلوک فرستادگان را در بارگاه گیرنده‌ی نامه روشن می‌کند:

بفرمودشان گفت بخرد بویید	به ایوان او با هم اندر شوید
چو او را ببینید بر تخت و گاه	کنید آن زمان خویشتن را دو تاه
بر آیین شاهان نمازش برید	بر تاج و بر تخت او مگذارید
چو هر دو نشینید در پیش اوی	سوی تاج تا بندهش آرید روی
گزارید پیغام فرخش را	از و گوش دارید پاسخش را

چو پاسخ از و سر به سر بشنوید زمین را ببوسید و بیرون شوید

(ج ۶، ص ۷۷-۷۶، بیت ۱۷۹-۱۷۴)

اشاره شد پوشش و ظاهر پیام‌آوران نیز اهمیت بسیاری داشته، چرا که از یک سو قدرت و شوکت فرستنده‌ی نامه را به رخ می‌کشیده و از دیگر سو هیمنه و جلال و شکوه فرستاده بر تأثیرگذاری نامه می‌افزوده است. به همین دلیل چون کسی به این منظور گزیده می‌شد، خلعتی آراسته به سیم و زر و جامه‌ای شاهوار و اسبی باستام چشمگیر و گران به او می‌دادند:

چو نامه به مهر اندر آورد شاه	بفرمود تا زنگه‌ی نیک خواه
به زودی به رفتن ببندد کمر	یکی خلعت آراست با سیم و زر
یکی اسب بر سر ستام گران	بیامد دوان زنگه‌ی شاه‌اوران

(ج ۳، ص ۷۵، بیت ۱۱۷۲-۱۱۷۰)

و این امر تنها در دو مورد صادق نیست: نخست در مورد فرستاده‌ی بر همنان نزد اسکندر با ازاری از بیخ گیاه بر میان به نشانه‌ی ناداری در عین وارستگی که قطع‌کننده‌ی دست طمع اسکندر به سرزمین آنان است:

فرستاده آمد بر شاهریار	ز بیخ گیاه بر میانش ازار
------------------------	--------------------------

ج ۷، ص ۶۵، بیت ۱۰۶۴

و دیگر فرستاده‌ی سعد و قاص نزد رستم فرخ‌زاد که نه ظاهر مناسبی دارد و نه حتی چشم و تنی درست و سلاحی در خور:

که آمد فرستاده‌ای پیرو سست	نه اسب و سلیح و نه چشمی درست
یکی تیغ باریک بر گردنش	پدید آمده چاک پیراهنش

(ج ۹، ص ۳۲۶، بیت ۱۹۷-۱۹۶)

اما اگر نامه‌رسان هنگام گسیل به بارگاه دیگر پادشاهان ظاهری فاخر دارد و مایه‌ی و اعتبار دربار فرستنده است، از آن سو چون به دربار مقصد می‌رسد نیز مجالی است برای گیرنده تا توانایی و

بخشش خود را نشان دهد و یا حسن نیت و دوستی خود را نمودار کند و این کار به دو شیوه انجام می‌شود:

نخست با پذیرایی شاهانه و نواخت پذیرنده:

فرستاده را جایگه ساختند	سستودند بسیاری و بنواختند
چون خوان و می‌آراستی می‌گسار	فرستاده را خواستی شهریار
بیودند یک ماه نزدیک شاه	به ایوان بزم و به نخچیرگاه

(ج ۸، ص ۱۶۸-۱۶۷، بیت ۱۹۴۷-۱۹۴۵)

و دیگر با دادن خلعت و نثار درم:

فرستاده را داد چندان درم	که آرنده گشت از کشیدن دژم
فرستاده را جامه و بـدره داد	ز گنجش ز هر گونه‌ای بهره داد

(ج ۷، ص ۱۰، بیت ۶۶)

جالب است که این بخشش و نواخت فقط در هنگام صلح و روابط دوستانه نیست و حتی پیک‌های حامل پیام قهر و جنگ نیز شامل این قاعده می‌شوند؛ به عنوان نمونه، شاه مازندران پس از آن که رستم نامه‌ی تند و آتشین کاووس را به او می‌رساند، فرمان می‌دهد برای او خلعتی آورند که البته مورد پذیرش رستم قرار نمی‌گیرد:

تـهـمـتـن چـو بـر خـاسـت کـایـد بـه رـاه	بفرمود تا خلعت آرند شاه
نـپـذـر فـت از و جـامـه و اسـپ و زـر	که ننگ آمدش زان کلاه و کمر

(ج ۲، ص ۱۱۶، بیت ۷۴۷-۷۴۶)

و یا چون قیصر به لهراسب نامه‌ای ستیزه جویانه می‌نویسد، با وجود آگاهی یافتن لهراسب از مضمون قهر آلود نامه، فرستاده را گرامی می‌دارد و از بزرگداشت او کوتاهی نمی‌کند:

پیام گرانمایه قیصر بـداد	چنان چون بـاید بـه آیین و داد
غمی شد ز گفتار او شهریار	بر آشفـت با گـردش روزگار
گرانمایه جای بیاراستند	فرستاده را شاد بنشاستند
فرستاد زربفت گسترده	ز پوشیدنی و هم از خوردنی

(ج ۶، ص ۵۶، بیت ۷۶۲-۷۵۹)

بنابراین روشن می‌شود که فرستادگان حتی اگر حامل پیام ستیز و جنگ خواهی نیز بودند بر جان خود بیمی نداشته‌اند که مبادا به محض گزاردن پیام سرشان بر باد رود و از نمونه‌های دیگر نیز چنین بر می‌آید که به عنوان یک قانون، دست درازی به فرستادگان امری ناستوده و دور از آیین بوده است:

گر آیین بدی هیچ آزاده را که کشتی به تندی فرستاده را
سرت را جدا کرد می از تنت شدی مویه گر بر تو پیراهنت

ج ۷، ص ۴۱۷، بیت ۱۹۸۴-۱۹۸۳

و حتی در اوستا وزند نیز فرستادگان از گزند زینهار داده شده‌اند و کس حق تعرض به آنها را ندارد:

البته موارد بسیار معدودی نیز در شاهنامه یافت می‌شود که نام‌رسانان را سر بریده‌اند:

بیست و نوشته اندر و نام خویش فرستادگان را همه خواند پیش
بگیریید این گفت ورزی او برید نگر زنی سپس راه را نسپرید
که گر نیستی اندر استاو زند فرستاده را زینهار از گزند
از این خواب بیدارتان کرده‌می همان زنده بردارتان کرومی

(ج ۶، ص ۸۰، بیت ۲۲۳-۲۲۰)

فرستاده را سر بریدند پست ز ترکان چینی سواری نجست

(ج ۸، ص ۱۵۷، بیت ۱۷۶۶)

حال باید دانست ویژگی‌ها و صفات لازمی که یک فرد را شایسته‌ی انجام چنین مأموریتی می‌کند چیست؟ همان‌طور که پیش ازین گفته شد فردوسی هرگاه در بیتی سخن از فرستاده در میان بوده، چند صفت از برای او بر شمرده است و از این راه آن چه را از ظاهر و اندام و خلق و خوی و منش

وکنش بایسته‌ی چنین شخصی بوده شناسانده است در این مجال به ترتیب الفبا با ذکر یکی دو شاهد این صفات بنابر فراوانی و تکرار ویژگی مورد نظر - نقل می‌شود. لازم به توضیح است که برخی از این صفت‌ها در معنی مترادف‌اند که در این صورت تنها یکی از آنها عنوان اصلی قرار گرفته است:

آزاده:

بجستند موبد فرستاده‌ای سخن‌گوی و بینادل آزاده‌ای

(ج ۷، ص ۲۷۹، بیت ۴۴۱)

آواز نرم:

فرستاده‌ای جست با رای و شرم که دانش سراید به آواز نرم

(ج ۷، ص ۲۴۶، بیت ۴۸۱)

با آبروی:

یکی مرد بینادل و چرب‌گوی ز لشگر گزین کرد با آبروی

(ج ۸، ص ۱۴، بیت ۱۲۴)

با دانش:

یکی موبدی بود نامش همای هنرمند و با دانش و پاک رای

(ج ۷، ص ۳۸۹، بیت ۱۴۸۰)

با شرم:

فرستاده‌ای خواند با شرم و هوش دلاور به سان خجسته سروش

(ج ۸، ص ۴۱۹، بیت ۱۷۰۶)

با هوش / هوشمند:

فرسته به ایران چنان چون سزید

یکی مردبـاهوش را برگزید

(ج ۲، ص ۶۹، بیت ۱۱۶)

رسیدند نزدیک تخت بلند

سه مرد گران مایه و هوشمند

(ج ۸، ص ۱۷۴، بیت ۲۰۷۰)

بیدار

به نزدیک سالارهاماوران

بشد مرد بیدار روشن روان

(ج ۲، ص ۱۳۲، بیت ۸۸)

پرمنش

که آن خلعت ناسزارا سزید

فرستاده‌ای پر منش بر گزید

(ج ۸، ص ۳۹۷، بیت ۱۳۷۱)

تندرو، تازان، پوینده:

سخن‌ها به پیروز بر یاد کرد

فرستاده با نامه آمد چه گرد

(ج ۸، ص ۱۴، بیت ۱۳۷)

فرستاده آمد به سان پری

چو آن پاسخ نامه گشت اسپری

(ج ۵، ص ۱۶۰، بیت ۱۳۲۰)